

تراکیب

ادویه و دانتیکا

ترجمه: فرزانه فاضل رعی



سرشناسه	دلیکا، ادوچ
عنوان و نام پدیدآور	ژله کش ادوچ دلیکا، فرنسیسی نوعی
مشخصات نشر	انتشارت یولف، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۲۵۴ ص، ۱۴×۵/۲۱ س.م
فروست	انبیاء: ۱۰، رملهای خروجی: ۸۱
شماره	۹-۹۰۵۲۲۶-۶۰۰-۶۷۸-۱۵۰۰۰۰ ریل
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	عنوان اصلی: The dew breaker, ۲۰۰۴
یادداشت	کتاب حاضر قبلا تحت همین عنوان با ترجمه شیوا مقلو توسط چشمه در سال ۱۳۷۸ ترجمه شده است
موضوع	دلسنهای کوتاه آمریکایی - قرن ۲۰م
شماره افزوده	فیبی نوعی، افزوده، ۱۳۹۴، مترجم
رده بنای کنگره	۱۳۹۴ ز، ۱۷۸ الف، PSr۵۵۵/۷
رده بنای دیویی	۵۴۸۱۳
شماره کتبشناسی ملی	۴۰۴۸۸۸



ژاله کش

ادویج دانتیکا

ترجمه: فرزانه قیاسی نوعی

چاپ: کامیاب

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۲۲۶-۹-۹

انتشارات یوبان

مشهد، صندوق پستی ۳۳۳-۹۱۷۵۵

تلفن و دورنگار: ۳۸۷۸۶۳۱۴ (۰۵۱) همراه: ۰۹۱۵۵۷۱۸۲۷۷

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

ترجمه‌ی این کتاب را

پیشکش می‌کنم به پدر و مادرم

مقدمه

ادویج دانتیکا^۱ در ۱۹ ژانویه ۱۹۶۹ در پورت‌پرنس^۲ پایتخت هائیتی^۳ دنیا آمد. دوازده ساله بود، پدرش آندره^۴ به آمریکا مهاجرت کرد. دو سال بعد مادرش رز^۵ نیز به او پیوست. دانتیکا به ۹ راه برادر کوچک‌ترش نزد عمه و عموش در هائیتی بزرگ شد.

اگرچه زبان رسمی آرش و پرورش در هائیتی زبان فرانسه است، آن‌ها در خانه به زبان کریولی^۶ صحبت می‌کردند. دانتیکا از حدود نه سالگی نوشتن را آغاز کرد و در دوازده سالگی به آمریکا نزد پدر و مادرش رفت.

آن‌ها در بروکلین، در «ماتینی»^۷ ایسی نشین نیویورک زندگی می‌کردند. تطبیق‌پذیری با محیط جدید، «آ» را به «ا» و «ان» به «ان» نوجوان مهاجر، کار دشواری بود و همین باعث شد که به ادبیات پناه ببرد.

دو سال بعد اولین نوشته‌اش به زبان انگلیسی در مجله‌ی آمریکایی - هائیتیایی منتشر شد. بزودی شروع کرد به نوشتن داستان‌هایی درباره‌ی تجربه‌ی مهاجرتش به آمریکا «A New World Full of Strangers» اما احساس کرد به نوعی «دور» مان‌ها ناتمام مانده‌اند، بنابراین داستان کوتاه دیگری نوشت که بعدها به اولین رمان او ایسی^۸ «نفس» چشم‌ها، خاطره^۹ تبدیل شد.

^۱ Edwidge Dantica

^۲ Port-au-Prince

^۳ Haiti

^۴ André

^۵ Rose

^۶ Creole

^۷ Breath, Eyes, Memory

پس از فارغ‌التحصیلی از دبیرستان کلارا بارتون^۱ در بروکلین نیویورک، به کالج بارنارد^۲ رفت که پرستاری بخواند. اما عشق به ادبیات و نویسندگی مسیرش را تغییر داد، و ادبیات فرانسه خواند.

دانتیکا فوق‌لیسانس نویسندگی خلاق از دانشگاه براون ردآیلند^۳ است. عنوان رساله‌ی فارغ‌التحصیلی او «My turn in the fire» بود که زمینه‌ای شد برای رمان «نفس، چشم‌ها و خاطره» این مان در ۱۹۹۴ از سوی انتشارات سوهو به چاپ رسید و چهار سال بعد منتخب بنگاه کتاب اپرا^۴ شد.

تاکنون مقالات زیادی درخصوص آثار دانتیکا نوشته شده و در نشریات و مجلات مطرح دنیا به چاپ رسیده است. هم‌چنین بیشتر داستان‌های او به زبان‌های متعدد ترجمه و منتشر گردیده است. برخی آثار وی عبارتند از:

- نفس، چشم‌ها، خاطره ۱۹۹۴
- کریک، کراک^۵ ۱۹۹۵
- کشاورزی استخوان^۶ ۱۹۹۸
- پشت کوهستان^۷ ۲۰۰۲
- پس از رقص، قدم زدن میان کارناوال‌ها کامل^۸ ۲۰۰۳
- زاله گش^۹ ۲۰۰۴
- آناکونا، گل طلایی، هائیتی ۱۴۹۰، ۲۰۰۵

^۱ Clara Barton

^۲ Barnard College

^۳ Rhode Island

^۴ Oprah's Book Club

^۵ Krak? Krak

^۶ The Farming of Bones

^۷ Behind the Mountains

^۸ After the Dance: A Walk Through Carnival in Jacmel, Haiti

- برادر دارم می‌میرم^۱ ۲۰۰۷

- بصیرت نور دریا^۲ ۲۰۱۳

هم چنین این آثار در طول دوران فعالیت ادبی او تا کنون جوایز زیادی را نصیب این نویسنده‌ی جوان و خوش قریحه کرده است. از جمله:

- جایزه‌ی بهترین نویسنده‌ی حوزه‌ی کارائیب در سال ۱۹۹۴

- جایزه‌ی رن موفق از دانشگاه براون در سال ۱۹۹۵

- جایزه‌ی بهترین داستان نویس جوان آمریکایی برای کتاب «نفس، چشم‌ها، خاطره» در

سال ۱۹۹۶

- جایزه‌ی بین‌المللی فلایانو^۳ برای فعالیت‌های ادبی

- جایزه‌ی کتاب سال آمریکا^۴ برای جایزه‌ی سوپر فلایانو^۴ برای کتاب «کشاورزی استخوان»

استخوان» در سال ۱۹۹۹

- جایزه‌ی رمان سال آمریکا و جایزه‌ی کتاب Anisfield-Wolf برای ژاله کش در

سال ۲۰۰۵

- جایزه‌ی بین‌المللی مستقدان برای کتاب «برادر دارم می‌میرم» در سال ۲۰۰۷

- مدال عالی داستان اندرو کارنگی برای کتاب «بصیرت نور دریا» در سال ۲۰۱۳

ژاله کش:

عنوان کتاب، برگرفته از عبارتی کریولی است و به برهم زدن صفا و زنا، چمن در

وقت نشستن ژاله‌ی صبحگاهی بر آن، گفته می‌شود.

^۱ Brother, I'm Dying

^۲ Claire of the Sea Light

^۳ International Flaiano Prize

^۴ Super Flaiano Prize

این عنوان در تاریخ هائیتی نامی مستعار برای «شکنجه‌گر» است که تلویحاً به ملیشیای امنیت ملی در دوران حکومت دیکتاتوری دووالیه‌ها^۱ اطلاق می‌گردد.

دانتیکا مانند سایر آثارش در این رمان نیز به شرح وقایع سیاسی رخ داده در زادگاهش، هائیتی و نیز تجربه‌ی مهاجرت و شوک فرهنگی ناشی از آن می‌پردازد.

فریب، محور اصلی رمان است، همه‌چیز در کمال آرامش و بآبی طرفی صرف روایت می‌شود، اما حکایت چیز دیگری است؛ رمان سراسر خشونت و نزاع است، چه به لحاظ فیزیکی و مشهود، و چه به لحاظ روانی و آنچه در قلب شخصیت‌ها می‌گذرد. شخصیت‌هایی که در یکون و آنز ادیشن، و در جهان درونی‌شان کشمکش و تقلائی شدید حاکم است.

هیچ گونه تعاملی در روایت وجود ندارد، و روایت‌ها از یک موقعیت جغرافیایی به موقعیت دیگر، از زمانی به زمان دیگر و از شخصی به شخصیت دیگر در حرکت‌اند.

کتاب، شامل نه اپیزود یا داستان کوتاه چرخه‌وار است و در عین این که هر یک داستان خاص خود را روایت می‌کنند، به‌شکلی منسجم و یک‌پارچه از یک کل واحد می‌انجامند و هر یک تصویرگر زندگی مردمانی است که به واسطه‌ی رگ و ریشه‌ای مشترک با یکدیگر در ارتباط هستند؛ ارتباط‌هایی خواه مستقیم و خواه غیرمستقیم.

در داستان اول - کتاب مردگان - شخصیت‌های اصلی معرفی می‌شوند، مردی آرام که زخمی عمیق بر صورتش دارد و همراه با دخترش در راه رساندن مجروحی به یک کلکسیونر؛ یک هنریشه‌ی معروف تلویزیونی است.

داستان دوم - هفت - به ظاهر کاملاً نامربوط با داستان اول است، اما با خاندان داستان‌های بعدی - کودک آب - و کتاب معجزات - احساس می‌کنیم شخصیت‌های آن در ذهنمان جایی را که باید پیدا می‌کنند.

^۱ فرانسوا دووالیه و پسرش ژان کلود دووالیه

در - کتاب معجزات - باز سروکله‌ی شخصیت‌های اصلی پیدا می‌شود. و این بار مادر خانواده از نگاه خود به کند و کاو در دل داستان می‌پردازد.

در - شب گوها - و - دم‌های میمون - شاهد روایت‌هایی در مورد دو تن از شخصیت‌های فرعی داستان‌های پیش‌ایم، که به شکلی هنرمندانه، رابطه‌ی آن‌ها - چه در گذشته و چه حال - با شخصیت‌های اصلی نشان داده می‌شود.

داستان پسر طی روایتی ساده اما پر تعلیق توسط شخصیت داستان - خیاط لباس عروس - ر عنوان کتابش ابهام زدایی می‌کند.

دم‌های میمون - اجزئیات بیشتری از حوادث سیاسی دوران حکومت دیکتاتوری دووالیه پرده بر می‌دارد.

در - خواننده‌ی مراد سیم - سه زن مهاجر هائیتیایی مواجه می‌شویم که می‌خواهند در آمریکا دیپلم متوسطه بگیرند. هر یک از آن‌ها به طریقی اگر چه ظریف در ارتباط با موقعیت‌ها و شخصیت‌های داستان‌های پیش‌تر هستند، مثلاً معلم، سخن است همان معلم داستان - کودک آب - باشد که به علت مشکل حنجره‌اش صدای سوتی و بی‌مهیج فراز و فرودی دارد.

با روایت داستان آخر که به عنوان نام کتاب نیز انتخاب شده، همه‌ی پازل‌ها کنار هم قرار می‌گیرند و رمان شکل نهایی خود را باز می‌یابد.

ژاله کش، داستانی خواندنی و پر از شخصیت‌های جذاب و واقعی است. اندازه‌ای که شخصیت‌های فرعی و حتی پاراگرافی آن، بسیار با دقت و استادانه تصویر شده‌اند. داستانی به یاد ماندنی درباره‌ی عشق، ندامت، بخشش، امید و رستگاری.

فرزانه قیاسی نوعی - بهار ۹۴